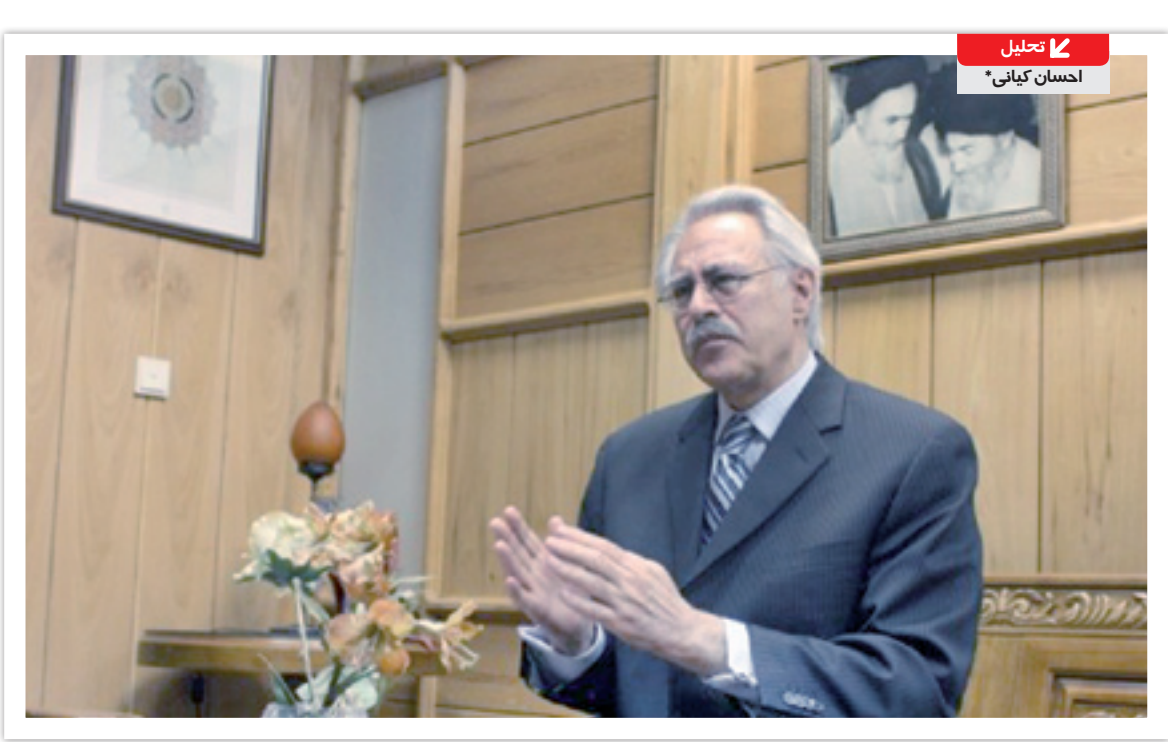


# استادان علم ترجمه شده سیاست!

بررسی اجمالی سیر اندیشه سیاسی اساتید جریان ساز علوم سیاسی در دانشگاه



\*سید جواد طباطبایی

پیش تر در صفحه اندیشه روزنامه جوان به بررسی تاریخچه تشکیل مدارس تخصصی و دانشکده‌های بر علوم سیاسی در کشور و نقد نواقص و کاستی‌های آموزشی رشته تحصیلی اندیشه سیاسی در نظام عالی آموزشی ایران پرداخته شند. در آن مقاله ترجمه صرف و بی‌توجهی عموم آکادمیسین‌های عرصه اندیشه سیاسی به مسائل بومی و وطنی بن‌مایه‌های اسلامی و ایرانی مورد نقد واقع شد. در این مطلب با مرور آثار و نظرات تنی چند از اساتید برجسته علوم سیاسی در دهه‌های اخیر، سیر ایده‌پردازی و منشی فکری آنان را بررسی خواهیم کرد. با نگاهی به سیر اندیشه بر خی از اساتید برجسته علوم سیاسی می‌توان نتیجه گرفت، نعله‌های اندیشه سیاسی غرب چنان در فضای دانشگاهی رسوخ نموده که قوت در «ترجمه‌گری» آثار اندیشمندان غرب سهم اصلی در برجستگی اشخاص در فضای آکادمیک ایران دارد. ابتدا نگاهی می‌کنیم به زندگی علمی مرحوم حمید عنایت که از پیشاتازان تدریس و تبیین اندیشه سیاسی در فضای دانشگاهی ایران بود. سپس، به تدقیق در آثار و تفکرات حسین بشیریه می‌پردازیم که بخش مهمی از فعالان سیاسی و فکری متأثر از وی بوده‌اند. آنگاه رویکردهای فکری سید جواد طباطبایی را که اخیراً سعی نموده سنت دیگری در فضای روشنفکری ایرانی رقم بزند، تحلیل می‌کنیم.

■ آغازگر علم سیاست

حمید عنایت در سال ۱۳۱۱ در تهران چشم به جهان گشود. پدرش که از عالمان دینی بود، پس از فشارهای سیاسی دولت پهلوی اول بر فقیهان، لباس روحانیت را به کناری نهاد و با دریافت مجوز دفتر اسناد رسمی، به کسوت محضرداری در آمد. حمید عنایت، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سپهر آغاز کرد ولی به سبب انتحال آن‌جا، به مدرسه ارمنه رفت و تحصیلات ابتدایی را در آنجا به پایان رساند. تحصیل در مدرسه ارمنه، وی را با اندیشه و منش تدریس و آموزشی غرب آشناتر کرد و سبب خو گرفتن او با بعضی آموزه‌های مدرن شد.
اغلب در مکتب‌خانه‌ها و مدارس سنتی ایران، مهجور و مطرود بود. وی دوره متوسطه را نیز در دبیرستان فیروز در کنار زرتشتیان گذراند و پس از طی این دوران وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. عنایت که شاگرد اول دانشکده شده بود، برای ادامه تحصیل بورسیه شد. عنایت مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در سال ۱۳۳۷ از مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه لندن گرفت و در سال ۱۳۴۱ موفق به کسب مدرک دکتر از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی آن دانشگاه شد. او که از شیفتگان دکتر مصدق و حامی نهضت ملی شدن صنعت نفت بود در دوران تحصیل با کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مشغول در دانشجویان ملی‌گرا و چپ‌گرای منتقد دولت، همکاری داشت. هر چند پیش از فعالیت سیاسی در زمینه نگارش مقالات تاریخی فعالیت می‌کرد. پس از بازگشت به کشور نیز حضورش در مراسم ترجمه دکتر مصدق در احمدآباد در سال ۱۳۴۶ موجب احضارش به ساواک شد. اما عنایت که در این سال‌ها محافظه‌کارتر شده بود و از شور و شوق آرمان‌گرایانه دوران جوانی‌اش فاصله گرفته بود، به تدریج از فعالیت‌های سیاسی‌اش کاست تا مشکلی برای تدریس و تحقیقش در ایران به وجود نیاید. چنان که سفارت امریکا در تهران درباره او گزارش می‌دهد:«عنایت در مورد آنچه می‌گوید، خیلی محتاط است. چراکه از قرار معلوم مایل نیست لطمه غیر ضروری به موقعیت تدریسیش در دانشگاه بخورد.» او که از اساتید میرز علوم سیاسی دانشگاه تهران بود، در سال ۱۳۵۱ جایزه تحقیقاتی این دانشگاه را دریافت کرد و یک سال بعد به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدت کوتاهی با «جبهه دموکراتیک ملی ایران» که ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ بر مزار مصدق اعلام موجودیت کرد، همکاری داشت. اما پس از انقلاب فرهنگی، از کشور خارج شد و در سال ۱۳۵۹ به مقام استادیاری کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد رسید. دکتر عنایت در سال ۱۳۶۱ در انگلستان در گذشت.

آثار مرحوم عنایت مشتمل بر ترجمه، تألیف و برخی مقالات کوتاه و بلند است. از آنجا که وی از اولین اساتید علوم سیاسی ایران بود و تسلط خیلی خوبی بر زبان‌های انگلیسی و فرانسوی داشت، آثار ترجمه‌شده او تأثیر مهمی بر آشنایی دانشجویان این رشته با اندیشه‌های سیاسی غرب داشت. به یوده است، دکتر عنایت ثری بلوغ و ادیبانه دشت و ترجمه‌هایش در عین امانت‌داری از بیانی شیوا و وفادار به ادبیات فارسی بر خوردار بود. برخی از این آثار از جمله معروف‌ترین کتب کلاسیک اندیشمندان سیاسی غرب بوده است. مانند «سیاست» اثر راسلو منتشره در سال ۱۳۳۷، «تاریخ تمدن، جلد سوم: قیصر و مسیح» اثر دورانت منتشره در ۱۳۴۱، «تاریخ طبیعی دین» اثر هیوم منتشره در ۱۳۴۸ و «خدایان و بنده» و

مسائلی را طرح و چه راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌کنند. فرض کلی این است که این مسائل حادث‌تر از مسائل فردمان است. در نتیجه از گذشته پاک بریده‌ایم.» به همین دلیل در فضای اواسط دهه ۴۰ خورشیدی و متأثر از فضای روشنفکری ایران که راه‌راهی را در نوعی بومی‌گرایی در عین بهره‌مندی از دستاوردها و تجارب اندیشه‌های سیاسی غرب می‌دید، به سوی پژوهش و تحقیق در زمینه اندیشه سیاسی اسلام و جهان عرب سوق یافت. سیر تاریخی آثار تألیفی منتشره از او نشانگر این مسئله است. وی ابتدا به بیان درس‌گفتارهایی در این باره پرداخت که توسط دانشجویانش گردآوری و پس از تدوین و اصلاح، منتشر شد. مانند «تاریخ سیاسی در اسلام و ایران» منتشره در ۱۳۴۸ و «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام» منتشره در ۱۳۴۹. سپس به نگارش مجموعه مقالاتی در این زمینه روی آورد که نمره‌اش «اسلام و سوسیالیسم در مصر» و «جهانی از خودبیگانه» بود که در سال ۱۳۵۱ منتشر شدند. وی در سال‌های پایانی عمر خویش توانست به تألیف دو اثر مفید در این خصوص بپردازد: «سیری در اندیشه سیاسی معاصر» که در آخرین ماه‌های حیاتش تدوین و پس از فوتش، در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. یکی از انتقاداتی که نیز نمایان است که عمده تلاش او بر ترجمه آثار مشهور اندیشه سیاسی غرب می‌گذرد. در عین حال نمی‌توان فراموش کرد که صبغه سیاسی ملی‌گرایانه و دولت‌ستیز وی موجب می‌شد تا در روند دولت‌سازی غربی که دولت پهلوی متأثر از حمایت‌های دولت‌های غربی در پیش گرفته بود، هضم نشود. عنایت در نقد رویکرد پیشین خود می‌گوید: «ما تصور می‌کنیم حالا که دنیا با این شتاب در تغییر است، باید بنییم ملت‌های پیشرو چه



بشیریه از علاقه‌مندان گرایش فکری چپ نوبوده که با سرمدمداری مکتب فرانکفورت و با ظهور چهره‌های برجسته‌ای چون هابرماس، ماکوزه، گرامشی و لوکاج قدم به عرصه فکری جهان گذاشت. نمایان‌بخشیریه به موج چپ نو در تحلیل او از تحولات اجتماعی و سیاسی ایران نیز مشهود است. وی که علم سیاست را علم راهیابی به دموکراسی می‌داند، جامعه‌شناسی سیاسی را نیز به گذار به دموکراسی تقلیل می‌دهد



\*حسین بشیریه

## اندیشه

۸۸۴۸۴۷۱



بررسی و آرا و نظرات متفکران علوم سیاسی دانشگاهی ایران چنین می‌نماید که حتی برجسته‌ترین اساتید این حوزه پیش از آنکه مبدع اندیشه یا لاقل مولفاتی باشند که حسب تجربیات غرب مدرن و نیز با بازاندیشی در تفکر دینی، مبانی اندیشه سیاسی بومی را قوام دهند، ادامه‌دهنده «نهضت ترجمه»ای هستند که از عهد مشروطیت رسمیت یافت و به فرایند غربی اندیشی اساتید و محصلان علوم سیاسی دانشگاهی دامن زد و دریغ آنکه اندک زمانی پس از ورود اسلام به ایران، مسلمانان ایرانی با ترجمه علوم رایج از زبان‌های دیگر، مبانی آن را فراگرفته و چنان آن را بسط و تعمیم دادند که «نهضت ترجمه معکوس» شکل گرفت

سید جواد طباطبایی

تحقیق در زمینه اندیشه سیاسی اسلامی، جهت‌دهی روشن‌تری می‌بخشد. ■ **جامعه‌شناس اصلاحت** حسین بشیریه در سال ۱۳۳۲ در همدان متولد شد. وی که از شاگردان مرحوم عنایت است، پس از دریافت مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه تهران، جهت ادامه تحصیل راهی انگلستان گردید. او موفق شد مدرک کارشناسی ارشد در رشته رفتارشناسی سیاسی را در سال ۱۹۷۹ از دانشگاه اسکس دریافت کند و مدرک دکترای رشته تئوری سیاسی را در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه لیورپول اخذ نمود. بشیریه پس از بازگشت به ایران در دانشگاه‌های مختلفی مانند دانشگاه تهران و دانشگاه امام صادق(ع) مشغول به تدریس شد. او در سال ۱۳۸۷ از ایران به امریکا رفت و اکنون مشغول تدریس در دانشگاه سیراکیوز نیویورک است. از جمله مهم‌ترین آثار او می‌توان به ترجمه «بیانات» اثر اندیشمند مشهور بریتانیایی، توماس هابز اشاره کرد. از دیگر آثار ترجمه‌شده او می‌توان به «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی» اثر برینگتون مسور منتشره در ۱۳۶۹، «یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی» اثر اربرت هوبز، «میلرسل کو: فراسوی ساختگرایی و هنر مینوتیک» اثر در یفوس و رایینو منتشره در ۱۳۷۶ و «جزایر‌های بزرگ در اندیشه غرب» اثر وان بومر منتشره در ۱۳۸۰ اشاره کرد. نگاهی به عناوین و محتوای این آثار نشان می‌دهد بشیریه علاقه‌مندان گرایش فکری چپ نبوده که با سرمدمداری مکتب فرانکفورت و با ظهور چهره‌های برجسته‌ای چون هابرماس، ماکوزه، گرامشی و لوکاج قدم به عرصه فکری جهان گذاشت. تمایل بشیریه به موج چپ نو در تحلیل او از تحولات اجتماعی و سیاسی ایران نیز مشهود است. وی که علم سیاست را علم راهیابی به دموکراسی می‌داند، جامعه‌شناسی سیاسی را نیز به گذار به دموکراسی تقلیل می‌دهد. به همین مبنا، متأثر از جریان فکری فرانکفورت به نقش جامعه مدنی در تحولات رسمی بیش از قدرت رسمی بها می‌دهد. او که از اواسط سال‌های دهه ۷۰ خورشیدی به جناح چپ مذهبی که آن زمان به تدریج نام‌آندیشد به خود می‌گرفت، نزدیک‌تر شد و برخی از ایده‌پردازان برجسته این جریان مانند سعید حجازیان از شاگردان مشهور او بوده‌اند. به همین سبب نوعی همدلی میان وی و آنان شکل گرفت که تلاش می‌کرد بسط جامعه مدنی مدن نظر اندیشه سیاسی غرب را در ایران پیاده‌سازی کند. بشیریه خود می‌نویسد: «ظهور گفتمان جدید جامعه مدنی در ایران محصول تحولات داخلی و جهانی است. تجزیه انقلاب و مقاومت‌هایی که گفتمان سنت‌گرایی برانگیخت، موجب تجدیدنظرهای آشکار و پنهان در برخی از آرمان‌ها شده، در نتیجه در نگرش گروه‌های حاکم تغییراتی پدید آمد.» آثار تألیف‌شده او در این دوران به خوبی گرایش فکری وی به سوی نوعی گذار از ساختار اقتدار‌گرا به سیستمی دموکراتیک را نشان می‌دهد. همچون «جامعه‌شناسی تجدید» و «دولت و جامعه مدنی: گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی» و «جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی» منتشره در ۱۳۷۸، «درس‌های دموکراسی برای همه» منتشره در سال ۱۳۸۰، «دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی» منتشره در ۱۳۸۱. اما،افول دوره اصلاحات نشان داد وی چندان در کاربست اندیشه‌های چپ نو و تطبیق آن بر جامعه وقت ایران دقیق نبوده است. به همین جهت در «گذار به مردم‌سالاری» منتشره در ۱۳۸۶ بیان می‌دارد که ساختار سیاست ایران مستعد قدرت متمرکز سیاسی و جامعه مدنی منفعل است. خوش‌بینی بشیریه به کنش‌های سیاسی اصلاح‌طلبان، گمان داشت گسترش شهرنشینی و افزایش تحصیلات لزوماً به رشد طبقه متوسطی می‌انجامد که خواهان دموکراسی است. حال آنکه بسیاری از تضادهای اجتماعی و اقتصادی ایران با دیگر دولت‌ها و همچنین تفاوت‌های بومی ایران با جوامع غربی نشان‌دهنده تمایز آشکاری است. همچنین برخی منتقدانش نیز معتقدند وی به شیوه‌های تداوم نظام‌های توتالیتر، روابط نظامیان و جامعه و تأثیر مسائل قومی بر انتخابات در ایران بی‌توجه بوده و این منجر به نوعی تقلیل‌گرایی در برخی نظرات

وی شده است. به جز تمایل به ترجمه و تحقیقات تطبیق‌گرایانه بر وضعیت اجتماعی ایران با برخی جوامع در حال توسعه متأثر از نظریات چپ نو که به فقدان ارائه یک نظریه بومی و مبتنی بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران در آثار بشیریه منجر شده است؛ مهم‌ترین انتقادی که بر اندیشه سیاسی وی وارد است، تمرکز بیش از حد بر نقش جامعه مدنی به مثابه یک واحد یکپارچه و اغماض از تفاوت‌های بومی و درونی مردم ایران و همچنین بی‌توجهی به کنش‌های نخبگان سیاسی و تأثیر آن بر فرآیند سیاست‌ورزی جریان‌ها و گروه‌های مؤثر بوده است. چنان‌که در سال ۱۳۸۸ در مصاحبه با نشریه اینترنتی لوگوس، طی تحلیلی که بیشتر به تحلیل‌های ژورنالیستی تنه می‌زند تا یک تبیین جامعه‌شناسانه، با غفلت از تأثیر کنش سیاسی نخبگان بر فضای پس از انتخابات، همه عوامل مؤثر را به سرکوب(۱) تقلیل می‌دهد و در عین حال بر توان جامعه مدنی در راهبری اعتراضات تأکید می‌کند. شاید این از عوارض ورود بیش از حد دکتر بشیریه از فضای علمی به حوزه عمومی بوده است.

■ **مبدع ایرانی‌شهر**

سید جواد طباطبایی در سال ۱۳۲۴ در تبریز به دنیا آمد. پس از طی آموزش‌های ابتدایی در تبریز، برای تحصیل در رشته حقوق وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. او بعد از اخذ مدرک کارشناسی حقوق، برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی و دکترای فلسفه سیاسی را در دانشگاه سوربن گذراند. وی در بازگشت به ایران به

سید جواد طباطبایی



فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی درانجمن فلسفه ایران، دانشگاه بهشتی و دانشگاه تهران پرداخت. همچنین مدتی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران را نیز بر عهده داشت. اما در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه برکنار گردید و بار دیگر راهی فرانسه شد. دانشکده علوم برلین، دانشگاه سیراکیوز و مؤسسه مطالعات عالی پاریس از جمله نهادهای آکادمیکی است که طباطبایی در سال‌های حضورش در خارج از کشور با آنها همکاری داشت. او در سال‌های اخیر که به ایران بازگشته، مسئولیت گروه فلسفه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی را عهده‌دار شده است. او که پیش از انقلاب اسلامی به سبب حضور در جلسات مرحوم مصدق با اندیشه‌های هگل آشنا شده بود، دایمان دکترایش تحت عنوان «گفتاری درباره اندیشهٔ سیاسی هگل: برآمدن از ۱۷۹۴ تا ۱۸۰۶» را نیز درباره هگل خوان به رشته تحریر در آورد. همچنین به ترجمه «لبنین و فلسفه و سه مقاله دیگر» اثر اوتسور و «بادداشت‌هایی درباره دیالکتیک» اثر لنین که به شناخت پیشترش از هگل انجامید، همت گماشت. تأثیرپذیری طباطبایی از ایده‌آلیسم هگلی موجب شد تحلیل‌های مورخان و متفکران علوم اجتماعی را متهم به فقدان ایده کند. او بیان می‌کند که برای تحلیل عقب‌ماندگی ایران در مقابل رشد غرب در سده‌های میانه باید به پشتوانه‌ای تئوریک مجهز بود. او می‌نویسد: «هگل در واقع، به چنان درک و دریافت عمیقی از وقایع سیاسی و تاریخی و به‌طور کلی، امر سیاسی، دست یافت که به نوعی الگوی هرگونه تحلیل سیاسی تبدیل شده است.» به نظر وی با ایده‌آلیسم هگل در تحلیل سیر تاریخی حرکت فکری ایرانیان پس از اسلام می‌توان به پاسخ این پرسش دست یافت که چرا ایران از گذر سده‌های میانه‌اش به عصر روشنگری نرسید.

■ **کارشناسی ارشد علوم سیاسی**

از دانشگاه تهران

■ **منابع**

- حمید عنایت، شش گفتار درباره دین و جامعه، تهران: موج، ۱۳۵۳.
- ترهنگ رحایی، عنایت صورت‌بردار اندیشه سیاسی بود، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۳۸۹، ۲۰۱۸.
- علی دهباشی، یادنامه دکتر حمید عنایت، ماهنامه بخارا، شماره ۹۲، ۱۳۹۲.
- حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نی، ۱۳۷۲.
- متین غفاریان، شارح شاگرد دپورر، هفته‌نامه شهروند امروز، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.
- مهرزاد بورجودی، دکتر بشیریه و علم سیاست در ایران امروز، ماهنامه مهرنامه، شماره ۳۸، ۱۳۹۳.
- سید جواد طباطبایی، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
- مهرزاد بورجودی، سیر ناخبردی در تاریخ، ماهنامه اندیشه بویا، شماره ۱۸، ۱۳۹۳.
- مصاحبه با سید جواد طباطبایی، نسوبه‌حساب با چرک‌ها، ماهنامه مهرنامه، شماره ۲۹، ۱۳۹۲.